یادداشت روز

در بن‌بست‌ها چه می‌جویند؟!

پیش از این در یادداشتی با عنوان «این خطر جدی است» به شواهدی اشاره کرده بودیم که نشان می‌داد ناکامی‌های پی‌درپی دولت یازدهم در انجام وعده‌هایی که به مردم داده و هنوز هم می‌دهد، طبیعی به نظر نمی‌رسد و بیم آن می‌رود که برخی از این ناکامی‌ها در عرصه‌های اقتصادی، سیاست خارجی، حفظ حرمت ایرانیان در مجامع بین‌المللی و رسیدگی به امور محرومان و مستضعفان، عمدی باشد! و این احتمال وجود دارد که کسانی - خدای ناخواسته - به دنبال آن باشند با آوار کردن انبوهی از مشکلات بر سر مردم، آنان را نسبت به کارآمدی نسخه انقلاب دچار تردید کنند و در همان حال برای خروج از بن‌بست‌های خود ساخته، تن دادن به سازش با آمریکا و دست کشیدن از آرمان‌های انقلابی و اسلامی و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خودی را آدرس بدهند!

این برداشت اگرچه ممکن است در نگاه اول بدبینانه تلقی شود و کسانی به ملامت ابرو درهم بکشند که این چه احتمال ناروایی است؟! ولی متاسفانه شواهدی در دست است که این احتمال را - لااقل در حد و اندازه یک احتمال - قوت می‌بخشد و از این روی نمی‌توان و نباید از کنار آن به آسانی عبور کرد و خطر پیش‌روی را ولو در حد یک احتمال، نادیده گرفت. دراین‌باره شواهدی هست که مروری گذرا بر شماری از آنها، نشان می‌دهد یک جریان مرموز و خزنده در کانون‌ها و مراکز «تصمیم‌ساز» و بعضا «تصمیم‌گیر» نظام نه فقط در مسیر حل مشکلات موجود سنگ‌اندازی می‌کند، بلکه در برخی از موارد به گونه‌ای آشکار از سامان یافتن شماری از نابسامانی‌های موجود جلوگیری نیز می‌کند. بخوانید!

۱- دولت محترم اگرچه در شعار بر ضرورت انتقاد و نقش حیاتی آن در اصلاح امور و پیشگیری از خطاهای احتمالی تأکید می‌کند تا آنجا که از بستن دهان منتقدان به خدا پناه می‌برد ولی در عمل کمترین و کوچک‌ترین انتقادها را برنمی‌تابد و منتقدان را بی‌آن که به موضوع انتقاد آنان توجهی کند، با انواع تهمت‌ها و ناسزاها می‌نوازد! نظیر؛ بی‌سواد، بی‌شناسنامه، مزدور، کاسب تحریم، جیب‌بر، غوطه‌ور در فساد، خرابکار، عقب‌مانده، تازه به دوران رسیده، انقلابی نفهم، یک مشت لات، هوچی‌باز و...! این حجم انبوه از ناسزاگویی به منتقدان، طبیعی به نظر نمی‌رسد و به این تردید دامن می‌زند که کسانی در کسوت نزدیکان و مشاوران و یا در پست‌های کلیدی دیگر، اصرار دارند با ارائه اطلاعات غلط به مسئولان بلندپایه نظام، اجازه ندهند صدای منتقدان به گوش آنان برسد تا حرکت در بیراهه‌ای که پیش گرفته‌اند ادامه یابد و از سوی دیگر، جرأت و جسارت انتقاد از منتقدان دلسوز گرفته شود. اکنون سؤال این است که آیا همه منتقدان دچار اشتباه هستند؟ آنهم اشتباه بزرگی که شایسته ناسزاهای مورد اشاره باشد؟ پاسخ به یقین منفی است. و این برخورد غیر از ادامه حرکت در یک مسیر غلط و رسیدن به بن‌بست نمی‌تواند نتیجه دیگری داشته باشد؟ از این روی باید نگران بود که جریان خزنده یاد شده در بن‌بست‌های خودساخته، کدام خروجی را جستجو می‌کند؟!

۲- جریان خزنده یاد شده به گونه‌ای سؤال‌برانگیز اصرار دارد که از یکسو نظام اسلامی ایران و مردم این مرز و بوم را در مقابل دشمنان بیرونی و مخصوصاً آمریکا و متحدانش تحقیر کرده و آنان را ضعیف و به شدت آسیب‌پذیر معرفی کند، و از سوی دیگر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی را ناچیز و غیر قابل تکیه جلوه دهد.

به این گزاره‌ها توجه کنید؛

✔ «اگر برجام نبود، حداکثر می‌توانستیم حقوق کارمندانمان را بدهیم»!

✔ «باید توافق انجام شود، تا مشکل رکود و اشتغال و تولید و آلودگی هوا و آب خوردن مردم حل شود»!

✔ «ما باید همراه شویم، نمی‌توانیم در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستیم، آنهم با شعارهایی که گاهی هم توخالی است»!

✔ «مثل فوتبال که مربی خارجی وارد می‌کنیم، باید برای توسعه بازارهای صادراتی هم از خارج مدیر وارد کنیم»!

✔ «نامه محرمانه به امام نوشتم که بدون رابطه با آمریکا نمی‌شود ادامه داد»!

✔ «بگذارید با خود رو راست باشیم، ما بجز پخت آبگوشت بزباش و قورمه‌سبزی در هیچ تکنولوژی صنعتی نسبت به جهان برتری نداریم»!

... و ده‌ها نمونه دیگر که فهرست آن هم به درازا می‌کشد و از حوصله این نوشته محدود بیرون است.

اکنون خودتان نظر بدهید که دشمنان بیرونی با دریافت این پیام‌ها از مسئولان اجرایی کشورمان چه قضاوتی درباره ما خواهند داشت؟ و چه برخوردی را علیه جمهوری اسلامی ایران و مردم آن در پیش خواهند گرفت؟! آیا ایران را کشوری ضعیف، تحقیر شده، به شدت آسیب‌پذیر و آماده برای بلعیدن تلقی نخواهند کرد؟! آنچه از نظرتان گذشت، سخنان فلان کارمند جزء و دیگر افراد عادی نیست، اظهارات مسئولان بلندپایه اجرایی است از رئیس قوه اجرائیه گرفته تا فلان وزیر و فلان معاون و فلان مشاور برجسته ایشان! حالا به رادیو فرانسه حق نمی‌دهید که اعلام کند «ارزیابی غرب از وضعیت کنونی دولت روحانی، تعامل با فروشنده بدهکار و مشتاقی است که خود را ناگزیر از فروش حقوق ملی کشورش می‌بیند»! و به غربی‌ها توصیه کند که «اگر خریدار (غرب) صبور باشد، فروشنده (یعنی دولت جمهوری اسلامی ایران) قیمت فروش را پایین‌تر خواهد آورد»؟! و باز هم قضاوت کنید که وقتی جوانان و مخصوصا طیف دانشجویان و دانش‌آموختگان ایرانی با این تصویر فلاکت‌بار از کشورمان روبرو شوند، امید خود را به آینده از دست نمی‌دهند؟ و آیا به این فکر نمی‌افتند که از کشور خارج شده و دانسته‌ها و تخصص‌های خود را در اختیار بیگانگان بگذارند؟!

۳- دولت بعد از آن که راه طی شده را بی‌دستاورد و خسارت‌آفرین می‌بیند به طور طبیعی و منطقی باید از ادامه آن خودداری کند و راهکارهای دیگری برگزیند. ولی جریان خزنده یاد شده به گونه‌ای تعجب‌آور و سؤال‌برانگیز، حتی بعد از شکست و ناکامی در مسیری که پیش گرفته بود، بر ادامه آن اصرار می‌ورزد که ماجرای بدفرجام و خسارت‌آفرین برجام بارزترین نمونه آن است. ادعا شده بود که حل همه مشکلات، حتی آب خوردن مردم نیز به توافق هسته‌ای ارتباط دارد و نزدیک به ۳ سال تقریبا همه دولت را به وزارت خارجه تبدیل کرده و دستور کار آن را در توافق هسته‌ای خلاصه کردند، بعد از توافق از آن با عنوان آفتاب تابان! فتح‌الفتوح! بزرگترین معجزه قرن! تسلیم قدرت‌های بزرگ در مقابل ایران! فتحی بزرگتر از فتح خرمشهر! و... یاد کردند و حالا که معلوم شده برجام فقط خسارت محض بوده است و امکانات و بیت‌المال و حیثیت نظام را به باد داده‌اند، به جای ابراز تأسف و پوزش از مردم و بازگشت از راهی که به بن‌بست رسیده است، کماکان بر دستاوردهای تقریبا هیچ آن اصرار می‌ورزند و حتی حل و فصل مسائل منطقه نظیر بحران سوریه را هم در دنبال کردن الگوی برجام معرفی می‌کنند! آیا این اصرار شک‌برانگیز و تردیدآور نیست؟!

۴- یکی از خصوصیات بارز این جریان خزنده حمله به کانون‌ها و مراکز اقتدار نظام است و در این میان، قوه قضائیه، سپاه، بسیج، توان نظامی و اقتدار منطقه‌ای کشورمان آماج بیشترین حملات پیدا و نهان این جریان مرموز است و سؤال این است که چرا؟! و آیا نمی‌دانند که اگر از اقتدار نظامی در داخل کشور و منطقه دست بکشیم و یا قوه قضائیه را که وظیفه مبارزه با مفسدان اقتصادی از جمله دستور کارهای آن است، تضعیف کنیم و «سپاه را که اگر نبود کشور هم نبود» هر روز با یک انگ جدید روبرو کنیم و... نتیجه طبیعی آن تبدیل کشور به یک لقمه راحت برای بلعیدن دشمنان خواهد بود؟!

۵- این جریان مرموز اصرار دارد که پیمان‌ها، قراردادها و تقریبا همه روابط خارجی و یا مسائل اقتصادی سرنوشت‌ساز را محرمانه معرفی کرده و از نگاه صاحب‌نظران دور بدارد. توافق هسته‌ای، قراردادهای نفتی، چند و چون حقوق‌های نجومی، مفاسد کلان اقتصادی و ...از جمله این موارد است و به عنوان مثال می‌توان گفت وقتی قراردادهای نفتی IPC با انتقاد علمی کارشناسان روبرو شد، آنان را به روال همیشگی مورد حمله قرار دادند ولی مدتی بعد، وزارت نفت اعلام کرد که نزدیک به ۱۵۰ ایراد در IPC یافته و در پی رفع آن است! و یا دریافت حقوق‌های نجومی را ابتدا انکار کردند و پس از افشای اسناد آن، از مردم پوزش خواستند، اما مدتی بعد، مدیران نجومی را ذخیره نظام نامیدند و...! دهها نمونه دیگر از این دست که فعلا می‌گذاریم و می‌گذریم و شرح آن را به بعد موکول می‌کنیم.

۶- و اما، اکنون به آنچه در آغاز این نوشته آمده بود می‌رسیم و با طرح دو سؤال به نقطه اصلی که محل نگرانی جدی است می‌پردازیم.

اول: آیا هیچیک از موارد مورد اشاره می‌تواند غیر از ایجاد بن‌بست در مسیر حرکت نظام و مشکل‌آفرینی برای مردم نتیجه دیگری داشته باشد؟!

دوم: آیا می‌توان پذیرفت که این جریان مرموز از بن‌بست‌آفرینی، تضعیف نظام و تحقیر مردم در موارد یاد شده غافل بوده و از نتیجه آن بی‌خبر باشد؟

اگر پاسخ این دو پرسش منفی است - که هست - به طور منطقی و طبیعی باید برای این احتمال جایی باز کرد که مبادا خدای نخواسته کسانی در پوشش یک جریان خزنده و با نفوذ در برخی از مراکز تصمیم‌ساز و سیاست‌پرداز نظام در پی آنند که مردم را زیر بار انبوه مشکلات به ستوه آورند (غرق مصنوعی). اما چرا؟! پاسخ این پرسش را می‌توان در آدرسی که جریان مزبور هر از چندگاه به صراحت بر زبان و قلم می‌آورد، جست‌وجو کرد؛ «سازش با آمریکا»! یعنی تن دادن به ذلت بردگی برای آمریکا، دقیقا آنگونه که در دوران طاغوت تجربه شده بود و امروزه تمامی کشورهای همراه با آمریکا در باتلاق آن دست و پا می‌زنند. یکبار دیگر اظهارات برخی از مقامات مسئول را که در بند ۲ این یادداشت آمده است مرور کنید. آیا نتیجه دیگری می‌گیرید و آیا نباید رئیس‌جمهور محترم نگاهی دقیق‌تر به مشاوران و برخی از سایه روشن‌های اطراف خود داشته باشند و از فتنه احتمالی دیگری پیشگیری کنند؟!

حسین شریعتمداری

سناتور ارشد آمریکایی:

ترامپ توافق هسته‌ای با ایران را پاره نمی‌کند آن را قاطعانه اجرا می‌کند

رئیس‌کمیته روابط خارجی مجلس سنا که از مخالفان توافق هسته‌ای با ایران است، گفت: ترامپ توافق هسته‌ای با ایران را پاره نمی‌کند، بلکه آن را قاطعانه اجرا می‌کند.

«باب کورکر» رئیس‌کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا گفت که انتظار ندارد «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور منتخب این کشور پس از ورود به کاخ سفید توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ (برجام) را پاره کند. کورکر در ضیافت صبحانه با هیئت تحریریه روزنامه کریستین ساینس مانیتور گفت: به نظر من، پاره کردن آن در مراحل اولیه، اتفاقی نیست که خواهد افتاد. وی، علی‌رغم این، گفت که انتظار دارد ترامپ این توافق هسته‌ای را با قاطعیت اجرا کند.

این سناتور ارشد آمریکایی اضافه کرد که پاره کردن توافق هسته‌ای به زعم وی باعث ایجاد بحران خواهد شد.

دستور اخیر روحانی فرصتی به نفع آمریکا است

به گزارش فارس، «اولی هاینونن» معاون پیشین مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در یادداشتی اقدامات ایران بعد از تمدید «قانون تحریم‌های ایران» در کنگره آمریکا را فرصتی برای بهبود مفاد «برجام» به نفع آمریکا دانسته است.

وی در این یادداشت برای «بنیاد دفاع از دموکراسی»، به دستور حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران برای ساخت پیشرانه‌های دریایی هسته‌ای پس از تمدید قانون یاد شده اشاره و خاطرنشان کرده که این اقدام نقض برجام محسوب نمی‌شود.

«هاینونن» این ادعا را هم کرده که اقدام ایران نقض روح برجام به شمار می‌رود چرا که نیازمند غنی‌سازی اورانیوم در سطحی بالاتر از محدوده‌های مجاز در برجام خواهد بود. او بر همین اساس نوشته است: آمریکا و شریکانش بایستی با رفع معایبی که می‌تواند مورد سوءاستفاده ایران قرار بگیرد به اقدام ایران پاسخ بدهند.

این مقام اسبق آژانس با اشاره به اظهارات علی‌اکبر صالحی، رئیس‌سازمان انرژی اتمی ایران در کنفرانس خبری مشترک با یوکیا آمانو ادعا کرده که تهران ممکن است در آینده توافق هسته‌ای را نقض کند.

هاینونن می‌نویسد: او (صالحی) در یک کنفرانس خبری اخیر با مدیر کل آژانس اذعان کرد که در حال حاضر سوخت مورد استفاده در تمامی سامانه‌های پیشرانه هسته‌ای دریایی بسته به نوع سوخت و اهداف مورد استفاده تا سطح بین ۵ تا ۹۰ درصد غنی‌سازی می‌شود.

معاون پیشین مدیر کل آژانس خاطرنشان کرده که حتی غنی‌سازی تا حد ۵ درصد هم نقض برجام محسوب می‌شود.

وی بر همین اساس به وزارت خارجه آمریکا پیشنهاد کرده که از این فرصت برای رفع برخی از معایب برجام استفاده کند.

کدخدایی: شورای نگهبان در مقابل خواسته‌های غیرقانونی مقاومت می‌کند

سخنگوی شورای نگهبان با بیان اینکه نظام با کسی شوخی ندارد و از هیچ کس هم نمی‌ترسد، گفت: شورای نگهبان هر کسی که از صندوق بیرون بیاید را به عنوان برنده انتخابات اعلام می‌کند اما در مقابل خواسته‌های غیرقانونی مقاومت می‌کند.

به گزارش فارس، عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان در جمع تعدادی از جوانان انقلابی محله مسعودیه تهران نهم دی‌ماه ۸۸ را مثال موفقی از ثمره مقاومت دانست و گفت: قرائن و شواهد نشان می‌دهد، دشمن پس از به نتیجه نرسیدن در تحمیل جنگ، غائله منافقین و بحث هسته‌ای، بر روی اثربخشی بر انتخابات و اینکه انتخابات در ایران سالم نیست، سرمایه‌گذاری کرد.

سخنگوی شورای نگهبان افزود: متأسفانه برخی ساده لوحان این وضعیت را یا متوجه نشدند یا به هر دلیلی از آنها تبعیت کردند و شعار کمیته صیانت از آراء و تشکیل هیئتی فراقانونی و بدون دخالت شورای نگهبان را مطرح کردند. هیئت و کمیته‌ای که مجوز و مصوبه قانونی برای آن پیش‌بینی نشده بود. اگر ساز و کار انتخابات را قبول نداشتند چرا موقعی که صلاحیت‌شان تأیید شد، حرفی نزدند؟!

این دیگر در صلاحیت شما نیست

کدخدایی تأکید کرد: شورای نگهبان هیچ نگرانی درباره آینده ندارد و هر کسی که از صندوق بیرون بیاید را به عنوان برنده انتخابات اعلام می‌کند اما در مقابل خواسته‌های غیرقانونی مقاومت می‌کند برای آنکه نظام با کسی شوخی ندارد و از هیچ کس هم نمی‌ترسد. یادمان نمی‌رود، آن آقایی که الان وزیر است، نزد مقام معظم رهبری در سال ۸۸ اعلام کرد؛ تقلب امکان‌پذیر نیست، اما ما در صلاحیت فلان کاندیدا تردید داریم. خُب، این دیگر در صلاحیت شما نیست؛ اگر با آن داوطلب مشکل شخصی دارید، ربطی به نظام و انتخابات ندارد. نمی‌شود که یک بام و دو هوا عمل بکنید. یک جایی قبول بکنید و یک جایی کناره‌گیری بکنید.

عضو حقوقدان شورای نگهبان با بیان اینکه این نهاد به ایستادگی خود در سال ۸۸ افتخار می‌کند، گفت: حرفهایی که در آن موقع می‌زدند، هیچکدام مبنای قانونی و صحت نداشت و برخاسته از یک توطئه خارجی بود که متأسفانه برخی فریب خوردند و در نتیجه خسارت‌هایی به نظام و مردم وارد شد البته جمهوری اسلامی ایران از مسیر صحیح خود خارج نشد و این به یُمن ایستادگی و مقاومتی بود که تحت نظارت و هدایت رهبر معظم انقلاب انجام شد.

این عضو حقوقدان شورای نگهبان درباره صلاحیت نماینده‌ای که پس از دوره نمایندگی به عدم التزام به ولایت و نظام می‌رسد، گفت: اگر من به عنوان عضو شورای نگهبان، مرتکب جرمی بشوم دیگر نمی‌توانم در شورای نگهبان بمانم و قطعاً در دوره بعد من را کنار خواهند گذاشت و این موضوع امری بدیهی است. همین موضوع درباره نمایندگان نیز صادق است.

مدیر مسئول کیهان در گفت‌گو با فارس:

علاوه بر جیب مردم چشم‌زخم هم ملاک تورم است!

مدیرمسئول کیهان گفت: قبل از اجرایی شدن برجام اگر به کسی چشم زخم می‌زدند، برایش تخم‌مرغ می‌شکستند ولی چنانچه دولت همچنان چشم انتظار دستاوردهای برجام بماند، این نگرانی وجود دارد که اگر کسی تخم‌مرغ بخورد چشمش بزنند.

حسین شریعتمداری در گفت و گو با فارس و در پاسخ به سوالی درباره وضعیت تورم، اظهار داشت: دولت اعلام می‌کند که تورم را تک رقمی کرده است ولی بر اساس معیاری که آقای رئیس جمهور ارائه کرده بودند «ملاک تورم جیب مردم است» و اگر جیب مردم ملاک باشد که هست، نرخ تورم بسیار بالاتر از آن است که اعلام می‌شود.

شریعتمداری با بیان اینکه علاوه بر جیب مردم، چشم زخم هم می‌تواند ملاک تورم باشد، توضیح داد: قبل از اجرایی شدن برجام اگر به کسی چشم زخم می‌زدند، برایش تخم‌مرغ می‌شکستند ولی چنانچه دولت همچنان چشم انتظار دستاوردهای برجام بماند، این نگرانی وجود دارد که اگر کسی تخم مرغ بخورد چشمش بزنند.

خبر ویژه

بازی با گزینه‌های جایگزین برای امتیازگرفتن بیشتر از روحانی

نشریات و فعالان اصلاح‌طلب با ردکردن نامزدهای جایگزین، روحانی را برای گرفتن امتیاز بیشتر از وی در آستانه انتخابات تحت فشار قرار داده‌اند.

عطریانفر عضو مرکزیت کارگزاران به روزنامه اعتماد گفت: مناسب‌ترین فردی که از او برای کاندیدای پوششی سخن رانده شده، آقای جهانگیری است.

صفایی فراهانی عضو مرکزیت حزب منحله مشارکت نیز به روزنامه آرمان گفت: چون هر رویدادی از جمله رد صلاحیت روحانی ممکن است، مطمئنا شخصیت‌هایی مثل آقایان جهانگیری یا نجفی دارای پتانسیل بالایی هستند.

روزنامه زنجیره‌ای بهار نیز در صفحه اول خود، عارف و پزشکیان و مطهری و ظریف را به عنوان «گزینه‌های جایگزین روحانی» معرفی کرد.

عبور اصلاح‌طلبان از روحانی یا سوختن و ساختن پای وی؟!

این تردید در اردوگاه اصلاح‌طلبان جدی شده که با توجه به احتمال ریزش گسترده آرای روحانی، آیا در انتخابات ۹۶ از وی حمایت کنند یا جایگزینی برای او بیاورند.

به نوشته روزنامه صبح نو، از زمانی که دولت وارد سال چهارم خود شد اصلاح طلبان و حامیان دیروزش، تبدیل به منتقد شدند و حتی در اظهارنظرهایشان از احتمال عبور از روحانی خبر دادند؛ در واقع جریان اصلاح‌طلب با کنایه‌های سیاسی پروژه عبور از روحانی را کلید زد، به طوری که آقای محمدرضا تاجیک، دولت آقای روحانی را دولت «گرفتار» و «پوپولیست» و آقای صادق زیباکلام آن را دولتی «یک میلیونی» و «تصادفی» و تئوریسین‌شان نیز دولت یازدهم را «دولت حسینقلی‌خانی» خواند.

شاید از زمانی که حامیانش نوشتند «همچنان برای دولت اعتدال، زمان در نقطه صفر است، گذشته‌ای ندارد که تاوانش را بدهد، اما گذشته چیزی نیست که ساخته نشود. گذشته‌ای که حسن روحانی از خود به جا می‌گذارد، بیش از آنکه دامنگیر دیگران شود، دامن خودش را خواهد گرفت.» می‌شد پیش‌بینی کرد که احتمال تنها گذاشتن روحانی وجود دارد.

ابراهیم اصغرزاده در گفت‌وگو با روزنامه آفتاب یزد به روحانی هشدار داد و گفت: «در این شرایط ممکن است روحانی در یک میدان بی‌رقیب به خودش ببازد... اصلاح طلبان هم که تخم‌مرغ‌هایشان را در سبد او گذاشته‌اند، بازنده میدان بی‌رقیب خواهند بود.» در واقع قفل‌هایی که کلید دولت یازدهم نتوانست آنها را بگشاید نگرانی‌های زیادی را برای اصلاح‌طلبان و حامیان روحانی به وجود آورد و آنها را نگران کرد که نتیجه غیرقابل پیش‌بینی انتخابات آمریکا در ایران هم تکرار شود. از این رو اصلاح‌طلبان بر آن شدند که برای پیروزی در انتخابات ۹۶ به دنبال راه چاره و کاندیدایی دیگر باشند تا در صورت شکست روحانی باز هم آرا به سبد اصلاح طلبان ریخته شود.

از سویی دیگر در اردوگاه اصلاح‌طلبان، اجماعی برای حمایت از روحانی در انتخابات ۹۶ وجود ندارد و هر روز نام یکی از چهره‌های این جریان به عنوان آلترناتیو روحانی مانند پزشکیان، جهانگیری، مطهری، ظریف، قاضی‌زاده هاشمی و... شنیده می‌شود.

محسن میردامادی از اصلاح‌طلبان شناخته شده هم گفته است: «تبلیغاتی که درباره برجام صورت گرفت نیز به این انتظارات دامن زد و انتظارات اقتصادی را از دولت آقای روحانی بالاتر برد. با این وجود مردم از وضعیت معیشتی و اقتصادی خود در طول سه سال و چند ماه گذشته رضایت ندارند و همین مسئله می‌تواند باعث ریزش پایگاه رأی آقای روحانی در انتخابات سال ۹۶ شود.»

دولت گفت ارز را تک نرخی می‌کند اما ۳ نرخی کرد!

در حالی که دولت ادعا می‌کرد می‌خواهد برای شفافیت اقتصادی قیمت ارز را تک نرخی کند، بانک مرکزی ارز را ۳ نرخی کرده است.

روزنامه وقایع اتفاقیه نوشت: رئیس کنفدراسیون صادرات ایران با اشاره به اینکه سیاست بانک مرکزی موجب شد ارز به جای تک نرخی، سه نرخی شود، از برخی مفاد دستورالعمل جدید بانک مرکزی درباره بازار ارز انتقاد کرد. محمد لاهوتی با اشاره به دستورالعمل جدید بانک مرکزی گفت: براساس این دستورالعمل، بانک مرکزی مکلف است، شرایطی را فراهم کند که حداکثر تا ۲۵ اسفند ۹۵، ارز حاصل از صادرات محصولات عمده صادراتی از سوی بانک‌ها خریداری شود و صرافی‌ها به وظایف متعارف خود برگردند. بر این اساس، تعیین واردات کالا با ارز آزاد و نرخ دلار سه هزار و ۶۰۰ تومان صورت می‌گیرد.

وی در مصاحبه با مهر گفت: فروش اعتبار ۱۰ درصدی و ۹۰ درصدی، نکته مثبتی است و تنها اشکالی که دارد، این است که نرخ سه هزار و ۶۰۰ تومان را به عنوان پایه اعلام کردند، در صورتی که اگر مبنا، نرخ ارز آزاد باشد باید نرخ سامانه سنا مورد پذیرش قرار می‌گرفت و عملا با اعلام سه هزار و ۶۰۰ تومان نه تنها به سمت تک نرخی نرفتیم بلکه سه نرخی شدیم. لاهوتی با بیان اینکه این می‌تواند تبعاتی داشته باشد و معتقدم حتی اگر بانک مرکزی قصد داشت دلار را با این روش پایین نگه دارد، به راحتی می‌توانست با تزریق منابع به واردکنندگان، نرخ روزانه را کاهش داده و به هر عددی که می‌خواست می‌رسید، گفت: اینکه یک نرخ سوم را در یک دستورالعمل اعلام کنیم، درست نیست اگرچه این اقدام در راستای کاهش نرخ ارز در بازار است اما کمکی به تک‌نرخی شدن نمی‌کند.

عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تاکید کرد: نکته بعدی اینکه در این دستورالعمل زمانی برای محدود کردن صرافی‌ها و موکول کردن خدمات به آنها مشخص شده که به نظر من با توجه به اینکه هنوز روابطی طبیعی بین سیستم بانکی ما و سایر بانک‌ها وجود ندارد و در نقل و انتقال پول مشکل داریم، تضادی است که در این بخشنامه وجود دارد، او با بیان اینکه نکته بعدی این است که گشایش اعتبار در کشور، کمتر از ۲۰ درصد و ۳۰ درصد واردات را دربرمی‌گیرد و عملا سیستم پرداخت مستقیم برای واردات در حال انجام است، تصریح کرد: بنابراین اینکه برای این کالاها یک نرخ سوم اعلام کنیم اما بقیه کالاها استفاده نکنند از نقاط ضعف این دستورالعمل است.

توقف ناگهانی مسکن مهر پس از ۴۱ ماه سرعت لاک‌پشتی

دولت در بخش مسکن نمره قبولی نمی‌گیرد و مسکن مهر نیز دچار بی‌مهری شده است.

به گزارش شفاف، هرچند روی آمار نرخ تورم پایین می‌آید و عدد رشد اقتصادی بیشتر می‌شود اما در زندگی عمومی مردم تغییری حاصل نشده است و مشکلات اقتصادی به قوت خود باقی است. یکی از این مشکلات که سال‌هاست گریبان‌گیر مردم است، مساله مسکن و گرانی خرید و حتی اجاره آن در کلان شهرهایی مانند تهران است که بیشتر درآمد مردم را می‌بلعد.

در واقع می‌توان گفت، خانه‌دار شدن مردم در سال‌های اخیر و با توجه به گرانی مسکن و حقوق و درآمد ثابت به یکی از معضلات جدی برای خانواده‌ها تبدیل شده است.

این روزها اگر گشتی سرسری در بنگاه‌های معاملات املاک زده شود، کاملا مشخص است که بازار خانه‌های متراژ پایین ۳۰ و ۴۰ متری بین قشر متوسط داغ‌تر است و قشر ضعیف هم بیشتر متقاضی اجاره‌خانه‌های کوچک‌تر هستند.

به همین دلیل به وجود آمدن خانه‌های مهر در دولت دهم با استقبال مردم مواجه شد و آنها را به خانه‌دار شدن امیدوار کرد. هر چند این طرح مشکلاتی داشت اما در هر حال نمی‌توان منکر شد که بسیاری از مردم در آرزوی خانه مانده را خانه‌دار کرد. البته دولت یازدهم از همان شروع کار تیغ خود را برای مسکن مهر از رو بست و حالا هم اعلام شده با تصویب مجلس، پرونده خانه‌های مهر برای همیشه بسته شده است.

همین چند روز پیش بود که حسن روحانی در گفت‌وگوی زنده خبری درباره مسکن مهر گفت: «مسکن مهر یکی از مشکلات دولت بود. خانه‌هایی ساخته شده بود بدون اینکه تسهیلات لازم را داشته باشد. مسجد و کلانتری و مدرسه و گاز و برق و آب و جاده در این مسکن‌ها نبود، براین اساس دولت به مشکل خورد، اما با همه اینها پرونده مسکن مهر تا پایان دولت یازدهم بسته می‌شود.»

این در حالی است که به گفته مهرآبادی قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در حال حاضر پیشرفت فیزیکی پروژه‌ها حدود ۹۳ درصد است، یعنی از مردادماه سال ۹۲ تا امروز (دیماه ۹۵) طرح مسکن مهر ۲۳ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. به عبارت دیگر طی حدود ۴۱ ماهی که از عمر دولت یازدهم می‌گذرد واحدهای طرح مذکور ماهانه کمی بیش از نیم درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند. حال اگر با همین روند تکمیل واحدها ادامه داشته باشد برای ۷ درصد باقیمانده تقریبا ۱۲/۵ ماه زمان نیاز است و دولتی‌ها برای تحویل خانه‌های مهر و بستن پرونده آن زمان کم خواهند داشت. از سوی دیگر بسیاری از منتظران خانه‌های مهر از سرعت عملکرد دولت در تحویل خانه‌ها ناراضی هستند و همچنین تکلیف طرح جایگزین دولت برای خانه‌دار کردن مردم هنوز هم مشخص نیست. مسکن اجتماعی هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به نظر می‌رسد پرونده دولت یازدهم در حالی بسته شود که کارنامه خوبی در حوزه مسکن از خود به جای نخواهد گذاشت.

یادآور می‌شود بنابر اعلام رئیس اتحادیه مشاوران املاک استان تهران، معاملات مسکن در مقایسه با سال گذشته نصف شده است.

آفتاب یزد: فرهنگیان در انتخابات از روحانی عبور می‌کنند

یک روزنامه زنجیره‌ای از دولت خواست در آستانه انتخابات به مطالبات اقتصادی فرهنگیان توجه کند چرا که با وضعیت فعلی، فرهنگیان از روحانی عبور خواهند کرد.

آفتاب یزد نوشت: بودجه سال ۹۶ آموزش و پرورش افزایش قابل توجهی پیدا نکرد و با توجه به پیش‌بینی واقعی بودجه مورد نیاز آموزش و پرورش برای سال آتی، قطعا آموزش و پرورش با توجه به بدهی‌هایی که اکنون دارد دچار مشکل می‌شود.

با نگاهی به لایحه بودجه ارائه شده به مجلس و سهم آموزش و پرورش از این بودجه، به سادگی می‌توان فهمید که با افزایش ۱۰ درصدی بودجه ۱۳۹۶ نسبت به سال قبل، عملا مشکلات معیشتی فرهنگیان در سال آینده هم پابرجا خواهد بود.

دانش آشتیانی با خاص و مهم‌تر دانستن مسئله آموزش و پرورش از مسئله برجام توانست در اذهان بخشی از فرهنگیان شبهه ایجاد نماید و آنان را به حل مشکلاتشان امیدوار نماید. اما اگر واقع‌گرایانه به برنامه‌ها و طرح‌های وزیر جدید آموزش و پرورش نگاهی بیندازیم باید اعتراف کرد که او در محقق نمودن وعده‌هایش ناکام مانده است و به اهداف اصلی که مورد مطالبه اکثریت فرهنگیان بود و از قضا از دلیل ناکامی فانی نیز بوده، نرسیده است.

این روزها در حالی که فرهنگیان در مشکلات اقتصادی غلت می‌زنند و در طول ماه‌های اخیر زیر فشارهای اقتصادی خمیده شده‌اند، دولتمردان از ارتقای منزلت اجتماعی و حل مشکلات فرهنگیان «سخن» می‌گویند.

اگرچه دولتمردان اعتدال از حضور خود در دور دوم ریاست‌جمهوری تا حد بسیار بالایی یقین حاصل کرده‌اند، اما نباید فراموش کنند برنامه‌های تبلیغاتی و وعده‌ها باعث دلسردی و دل‌آزردگی بیشتر قشر آینده‌ساز و زحمتکش فرهنگیان خواهد شد. رویه‌ای که دولت یازدهم در مواجه با مطالبات و مشکلات فرهنگیان در حال حاضر پیش گرفته است، در مجموع بازی دو سر باخت را برای دولت به ارمغان می‌آورد. فرهنگیان تبعیض و اجحاف را با تمام وجود لمس می‌کنند و شعارها و اقدامات شعاری وزیر و دولت روحانی باعث نارضایتی و بی‌اعتمادی بیشتر فرهنگیان به دولت یازدهم خواهد شد. قطعا نارضایتی فرهنگیان به پایگاه رای روحانی در انتخابات آتی آسیب می‌زند.

فارن افرز: گسترش نیروی دریایی اثبات قدرت منطقه‌ای ایران است

«گسترش نیروی دریایی، اثبات قدرت منطقه‌ای ایران است.»

فارن افرز نشریه شورای روابط خارجی آمریکا در گزارشی خاطرنشان کرد: ایران مدتی است تلاش می‌کند خود را به عنوان قدرت منطقه‌ای اثبات کند و پایگاه نیروی دریایی کلید رسیدن به این هدف است.

در اواخر ماه نوامبر، ایران در بیانیه‌ای غیرمعمول اعلام کرد که برای ساخت و ایجاد پایگاه‌های نیروی دریایی در سوریه و یمن برنامه‌ریزی کرده است. این کار می‌تواند ده برابر موثرتر از انرژی هسته‌ای باشد. ایران مدت‌های مدیدی است که تمایل خود را برای ساخت پایگاه در خارج از مرزهایش اعلام کرده است.

داشتن پایگاه در سوریه و یمن از اهمیت ویژه‌ای برای ایران برخوردار است. یمن در مسیر حمل و نقل استراتژیک تنگه «باب‌المندب»، یکی از پرترافیک‌ترین آبراه‌های جهان، قرار دارد و استقرار پایگاه نیروی دریایی به تهران اجازه دسترسی نامحدودی به دریای سرخ داده و این کشور را در موقعیتی مناسب قرار می‌دهد تا رقیبش در منطقه یعنی عربستان سعودی، را مورد تهدید قرار دهد. همچنین، داشتن یک پایگاه نظامی به ایران امکان بهتری برای پشتیبانی حوثی‌ها می‌دهد؛ نیروهایی که یکی از عوامل نیابتی ایران هستند و در سپتامبر ۲۰۱۴ کنترل صنعا، پایتخت یمن را به دست گرفتند.

اگر ایجاد پایگاه نظامی در سوریه تحقق یابد، دسترسی نیروی دریایی ایران تا مدیترانه را ایجاد می‌کند و به تقویت حضور نظامی ایران در نزدیکی سواحل اروپا منجر می‌شود. این مسئله همچنین به متحدان تهران در لبنان، فلسطین و سوریه- یعنی حزب‌الله، حماس و بشار اسد- کمک خواهد کرد.

این ۶۰-۷۰ میلیارد دلار دقیقا کجاست؟!

معاون اول رئیس‌جمهور گفت ۴۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داریم.

به گزارش ایرنا، جهانگیری گفت: ۴۰ میلیارددلار صادرات غیرنفتی داریم و پیش‌بینی می‌شود این رقم به ۵۰ میلیارد دلار هم برسد.

وی افزود: دولت به هیچ‌وجه بدنبال ایجاد نرخ جدید ارز در باز